

بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ذکریا کاظم‌پور^۱، فرزاد محمدی^۲

چکیده

جمهوری آذربایجان با توجه به داشتن شرایط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی همیشه مورد توجه بازیگران مطرح بین‌المللی قرار داشته است و بالطبع آن تحولات داخلی و خارجی این کشور در سطوح مختلف بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. بر همین اساس، بررسی شرایط حاضر جهت اتخاذ تصمیم‌های درست سیاسی برای رویارویی با سیاست‌های منطقه این کشور برای ج.ا.ایران جزء ملزومات به حساب می‌آید. مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که ایران و آذربایجان در دوره کنونی، در چه زمینه‌هایی دارای همگرایی و در چه زمینه‌هایی دارای واگرایی هستند. فرضیه این پژوهش بدین ترتیب است که داشتن یک رابطه صحیح و درست با جمهوری آذربایجان در گرو شناخت عوامل همگرایی و واگرایی منطقه‌ای می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از امکانات و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری صورت پذیرفته است. نتایج این تحقیق بیانگر فراز و نشیب زیاد در روابط بین دو کشور در سالیان گذشته بوده است که بیشتر موانع، اختلافات و مشکلات موجود به ماهیت‌های نظام سیاسی دو کشور و نیز رقابت آنها در چارچوب نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌گردد و چنانچه هریک از طرفین بخواهند از شرایط موجود استفاده درست کنند لازم است درکی صحیحی از وضعیت طرف مقابل و رفع موانع و مشکلات داشته باشند.

واژگان کلیدی: ج.ا.ایران، جمهوری آذربایجان، سیاست خارجی، عوامل همگرایی، عوامل واگرایی

^۱ دکتری آینده‌پژوهی، رئیس پژوهشکده نگاه دو

Farzad_mu@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

مقدمه

روابط ج.ا.ایران با جمهوری آذربایجان، پس از استقلال این جمهوری از شوروی سابق دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. در دوران ریاست جمهوری ایاز مطلباف و با آغاز جنگ قره‌باغ، جمهوری اسلامی سعی در حل آن بحران از طریق میانجیگری نمود. در این دوران جمهوری آذربایجان گرایش زیادی به روسیه داشت و در واقع هنوز در یک حالت سردرگمی در نتیجه استقلال از شوروی و آغاز جنگ قره‌باغ قرار داشت. با روی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ از جبهه خلق روابط این جمهوری با روسیه و ایران کاهش یافت و غرب و ترکیه هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان قرار گرفتند. با تندروی‌های جبهه خلق و حرکت یک لشکر ارتش به رهبری صورت حسین‌اف به طرف باکو، ایلچی بیگ مجبور به استعفا گشت و حیدرعلی‌اف قدرت را در دست گرفت. در این دوره است که جمهوری آذربایجان روابط بینابینی را با روسیه غرب و کشورهای بزرگ منطقه‌ای آغاز می‌کند. این دوره را می‌توان دوره ثبات در روابط جمهوری آذربایجان با گرایش غرب‌گرایانه دانست. با مرگ حیدرعلی‌اف، الهام علی‌اف بعنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. الهام علی‌اف سیاست‌های گذشته را ادامه داد و با تزریق ارزهای به دست آمده از صادرات انرژی، سعی در توسعه و پیشرفت این کشور نمود. روابط ایران و آذربایجان تحت تأثیر برخی از عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دستخوش نوسان بوده است. جمهوری آذربایجان در شرق دریای خزر در همسایگی شمالی غربی ایران واقع گردیده ^{۲۴} بعنوان یکی از همسایگان مهم کشورمان به حساب می‌آید. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد آذربایجان، تابعی از سیاست کلی کشور در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بوده و می‌باشد. این سیاست‌ها در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر، بر همکاری‌های همه‌جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و تبدیل این مناطق به مناطقی با ثبات استوار است. ضرورت و اهمیت مقاله حاضر بیان می‌دارد که ج.ا. ایران در طول تاریخ سیاسی خود سعی نموده با تمامی مناطق به ویژه محیط پیرامونی خود، تعاملات مناسب سیاسی، اقتصادی و ... برقرار نماید و بطور متقابل نیز از تحولات آنها متأثر گردیده است. تغییر و تحولات محیط‌های سیاسی-امنیتی کشورهای پیرامون، اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران دارد. از این روز وضعیت کشور جمهوری آذربایجان در سطوح مختلف بر منافع منطقه‌ای کشورمان تأثیرگذار بوده و خواهد بود. لذا توجه به شرایط خاص منطقه و تحولات این کشور برای ج.ا. ایران بسیار مهم می‌باشد. این مقاله به لحاظ ماهیت، در زمره تحقیقات کیفی و به لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از امکانات و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. سوال اصلی مقاله این است که: ج.ا. ایران و جمهوری آذربایجان در دوره کنونی، در چه زمینه‌هایی دارای همگرایی و در چه زمینه‌هایی دارای واگرایی هستند؟

۱- تعریف مفاهیم

۱) **همگرایی:** همگرایی یک فرآیند است، که حول آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف، به این باور تن می‌دهند که نفع آنها در تجمع و وحدت در تأسیس دولت متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (دوران، ۱۳۸۳: ۶۴).

۲) **واگرایی:** واگرایی عبارتست از فرآیندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (دوران، ۱۳۸۳: ۶۶).

۳) **امنیت:** امنیت در لغت به معنای «آرامش، آسودگی و در امان بودن» است. و آن حالتی است که به موجب آن، هرکس فارغ از بیم تهدید به جان، مال و شرف و آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند (پدارم، ۱۳۹۴: ۸۷).

۲- شناسایی و معرفی متغیرهای همگرایی و واگرایی

جمهوری آذربایجان برای ایران دارای اهمیت اقتصادی، ژئوپلیتیک و امنیتی است. این کشور از لحاظ ساختار جغرافیایی سیاسی، جمعیت‌شناختی و مکانیسم حکومت در امنیت ملی ایران موثرتر از سایر کشورهای منطقه قفقاز می‌باشد. در حالت کلی می‌توان گفت در منطقه قفقاز جنوبی بویژه جمهوری آذربایجان و ارمنستان خلأ قدرت وجود دارد و همین امر موجب گشته کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای در راستای نفوذ و گسترش معنوی و فیزیکی خود با یکدیگر رقابت نمایند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۱). رقابت‌ها باعث گردید بین کشورهای همسایه عوامل همگرایی و واگرایی زیادی به وجود آید. بطور مثال می‌توان عوامل واگرایی پیشران‌های سیاسی - امنیتی موثر در روابط ج.ا. ایران با آذربایجان را به ۲ دسته ذیل تقسیم کرد که البته در ادامه به آنها خواهیم پرداخت: ۱) متغیرهای سیاسی؛ ۲) متغیرهای امنیتی.

جدول شماره ۱) عوامل واگرایی پیشران‌های سیاسی - امنیتی موثر در روابط ج.ا. ایران با آذربایجان

متغیرهای امنیتی	متغیرهای سیاسی
شکل‌گیری مربع آذربایجان، آمریکا، ترکیه و اسرائیل در برابر مثلث ایران، روسیه، ارمنستان	گرایش‌های غرب‌گرایانه آذربایجان
گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در آذربایجان	تمایل سیاست منطقه‌ای ایران به ارمنستان
همکاری‌های گسترده نظامی، امنیتی و سیاسی آمریکا با آذربایجان	بهره‌گیری آمریکا از موقعیت معبری آذربایجان
طرح آذربایجان بزرگ	بافت هیدرو پلیتیک

(حق آبه ارس و اختلاف در حدود مرزی دریای خزر)	
تضاد ایدئولوژیک طرفین	بحران قره باغ
حضور استراتژیک رقباى منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در آذربایجان	تلاش آذربایجان برای پیوستن به ناتو
گفتمان ایدئولوژیک شیعی ایران	ناسیونالیسم آذری و اندیشه پان ترکیسم
توسعه دموکراسی پلورالیستی آذربایجان براساس منطق باز	دستگیری سران حزب اسلامی و متهم کردن آنها به جاسوسی
پایبندی صرف آذربایجان به منافع ملی	رویکردهای امنیتی متفاوت دو کشور
حذف ایران از طرح‌های توسعه اقتصادی و انرژی	گسترش روزافزون اقتدار سیاسی و نظامی ایران در منطقه
نقش و نفوذ ترکیه در آذربایجان	دیپلماسی نظامی
سیاست‌های فرهنگی-مذهبی	ماهیت قوم‌گرایی جوامع دو کشور
منابع گازی و نفتی مشترک	-----
بازارچه مرزی و مناطق آزاد تجاری ارس	-----
روابط تجاری	-----
موازنه‌سازی ایران	-----

۲-۱- متغیرهای سیاسی

۱) گرایش‌های غرب‌گرایانه آذربایجان

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان و نگاهی که غرب براساس آن از منطقه قفقاز دارد، موجب شده تا غرب کل منطقه را در یک بسته سیاسی = امنیتی تعریف کرده و خواهان تشکیل یک بسته سیاسی - امنیتی کامل در این منطقه باشد. حاکمیت کنونی جمهوری آذربایجان نیز مراودات اقتصادی مستحکمی با غرب داشته و هرگونه آنازشی در این کشور منافع غنی اقتصادی غرب در این منطقه را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. مسئله امنیت انرژی و انتقال آن به غرب و اغلب موضوعات مرتبط با اکتشاف و استخراج منابع انرژی در خزر از مهم‌ترین موضوعات مطروحه در روابط غرب با جمهوری آذربایجان می‌باشد. باتوجه به سوابق تاریخی این کشور، احزاب مطرح رشد، پیشرفت و توسعه کشور خود را و همچنین تامین امنیت پایدار را در ارتباط با پیوستن به جبهه غرب می‌بینند در صورتیکه ایران بعد از انقلاب خود به شدت با جبهه غرب و اهداف و نیت آنها در منطقه به مخالفت پرداخته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۸۹).

۲) تمایل سیاست منطقه‌ای ایران به ارمنستان

ایران و ارمنستان روابط عمیق و مستحکمی در سطح استراتژیک برپایه منافع و تهدیدات مشترک برقرار ساخته‌اند. واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مشترک، روابط استراتژیک ایران و ارمنستان و همکاری متقابل آنان را ضروری می‌سازد. ارمنستان سعی می‌کند که با ارتباط با ایران با تهدیدات اقتصادی ناشی از حضور و نفوذ آمریکا و اسرائیل در آذربایجان مقابله کند. همچنین این کشور می‌تواند ایران را در رسیدن به بازار اروپا و صدور نفت به اتحادی اروپا یاری رساند. ایران سعی می‌کند با اعطای کمک‌های فنی، کارکردی و اقتصادی به ارمنستان، هرچه بیشتر این کشور را وابسته به خود نماید. بطور کلی همکاری‌های نفتی و گازی مهمترین حوزه راهبردی در روابط این دو کشور به حساب می‌آید. همین همکاری‌ها باعث گردید که رهبران جمهوری آذربایجان در ابتدای شکست در جبهه‌های قره‌باغ ناکامی‌های خود را متأثر از کمک ایران به ارامنه ارزیابی کرده و کلیه شکست‌های خود را به کمک‌های تسلیحاتی نظامی و اقتصادی-ایران به ارامنه میانجیگری ایران در جنگ قره‌باغ نسبت دادند. در واقع مقام‌های جمهوری آذربایجان به دلیل روابط روبه رشد ایران و ارمنستان از مواضع ایران در این زمینه رضایت ندارند. حتی حیدر علی اف در مورد حمایت ضمنی ایران از ارمنستان در حل بحران قره با ابراز ناامیدی کرده بود (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۷۵).

۳) بافت هیدروپلیتیک (حق آبه ارس و اختلاف در حدود مرزی دریای خزر)

۲۷

مسئله کمبود آب و کاهش تدریجی آن، موجب شده است که آب نقش اساسی‌تری در شکل‌دهی به روابط سیاسی جوامع بشری ایفا کند و بعنوان یک موضوع ژئوپلیتیک بر روابط کشورها تاثیر بگذارد. مسئله تقسیم دریای خزر و رژیم حقوقی آن و همچنین پرداخت حق آبه رود ارس از جمله عناصر تاثیرگذار و مهم در تعیین مناسبات دو کشور می‌باشد. طبق دیدگاه ایران رژیم حقوقی دریای خزر باید باتوجه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین شود و اگر کشورهای ساحلی اصرار بر تقسیم دریا داشته باشند، حداقل سهم ایران ۲۰ درصد در سطح منابع آبی و همچنین بستر دریا خواهد بود. در مقابل از دیدگاه آذربایجان سطح آب دریای خزر می‌تواند به صورت مشاع مورد بهره‌برداری مشترک کشورهای ساحلی قرار گیرد اما بستر دریا باید براساس طول خطوط ساحلی کشورها تقسیم شود (برزگر، ۱۳۸۶). جمهوری آذربایجان در مورد دریای خزر، همواره حامی دو الگوی "دریا" و "دریاچه" بوده است. رودخانه ارس نیز باتوجه به جغرافیای سیاسی ویژه آن بعنوان یکی از مهمترین رودخانه‌های مرزی و بین‌المللی به حساب می‌آید. باتوجه به برداشت‌های روزافزون ترکیه و ارمنستان در بخش‌های بالادست رودخانه، نمی‌توان آینده هیدروپلیتیک منطقه و رود ارس را مثبت و مبتنی بر ژئوپلیتیک همکاری تلقی کرد (ولی قلی‌زاده و وردی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

۴) تضاد ایدئولوژیک طرفین

درست است اسلام و مذهب شیعه نقطه اشتراکی بزرگی بین دو کشور آذربایجان و ایران به حساب می‌آید اما نوع برداشت و نگرش از آن در بین سران دو کشور بسیار متفاوت است. در نگاه ایران هویت اسلامی به جای هویت ملی می‌نشیند. ملت‌های از اولویت بهتر و برتری نسبت به دولت‌ها برخوردارند. باتوجه به اندیشه‌های اسلامی انقلاب، مصالح اسلامی بر منافع ملی مرجح و مقدم می‌شود و وجوه و جنبه‌های مادی کم‌رنگ‌تر می‌گردد. تهدیدات به اعتبار میزان شدت و قدرت آسیب‌زایی نسبت به تمامیت و هویت ارزشی نظام تعریف و تقسیم می‌شود لذا این گفتمان در پی پیگیری و تامین منافع مسلمانان منطقه قفقاز خارج از چارچوب دولت می‌باشد. درحالی‌که دیدگاه سران جمهوری آذربایجان برخلاف این بینش است و آنها با صرف تامین منفعت ملی خود با دیگر کشورهای منطقه رابطه برقرار می‌کنند. تلاش و اقدام ایران در راستای بسط و گسترش انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی، دفاع از مسلمانان و شیعیان، مبارزه با استکبار، سلطه‌ستیزی، تغییر نظم و نظام منطقه‌ای و وحدت شیعیان می‌باشد. جمهوری آذربایجان نیز سعی می‌کند با نادیده گرفتن نوع مذهب خود با دیگر قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتباط برقرار کند و در خیلی از مواقع بینش‌ها و تفکرات ایران را نوعی تهدید برای خود و امنیت کشور می‌داند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

۵) حضور استراتژیک رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران در آذربایجان

منطقه قفقاز با وضعیت پیچیده‌ای مواجه است، فرصت‌ها و تهدیدهایی را در بطن خود دارد که شناسایی دقیق آنها رسالتی است تعیین کننده که می‌تواند مشی سیاسی مطلوب را گوشزد نماید (نصری مشکینی، ۱۳۷۹: ۸۶). بعد از پایان جنگ سرد به خصوص در قرن حاضر دریای خزر بعنوان هارتلند جدید از موقعیت ژئوپلیتیک خاصی برخوردار شده است. وجود منابع بالقوه و حتی بالفعل موجود در این حوزه از یکسو و اهمیت یافتن روزافزون انرژی در جهان از سوی دیگر توانسته زمینه همگرایی و واگرایی‌هایی را فراهم نماید. همین جهت‌گیری‌ها باعث تشکیل ائتلاف‌هایی با حضور کشورهای منطقه و فرامنطقه در چارچوب همگرایی و واگرایی‌های موجود شده است. در این بین برخی از کشورهای قدرتمند رقیب یا دشمن دیرینه ایران نیز باتوجه به منافع ملی خود و در راستای اهرم‌سازی بر علیه ایران در فعالیت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور آذربایجان حضور یافته‌اند (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

۶) گفتمان ایدئولوژیک شیعی ایران

سه رهیافت ایدئولوژیک، واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی در رابطه با رفتار سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قابل بیان است. براساس رویکرد ایدئولوژیک، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به وسیله ایدئولوژی و گفتمان اسلامی هدایت می‌شود. گفتمان ایدئولوژی اسلامی پیرامون آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی سامان می‌یابد که در آن حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی بر هر ارزش و منفعت دیگری

ارجحیت و اولویت دارد. با این دیدگاه امنیت ملی به یک موضوع فراملی تبدیل می‌شود و ستون‌های سیاسی و اقتدار ایران در میان جامعه بزرگ مسلمانان جهان بنا می‌گردد که جمهوری آذربایجان با جمعیت کثیر شیعیان این کشور از این مهم مستثنی نمی‌گردد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۲۰-۱۱۹).

۷) توسعه دموکراسی پلورالیستی آذربایجان براساس منطق باز

نگاه پلورالیستی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصاد یک کشور را می‌تواند به رشد شتابانی برساند. پلورالیسم در لغت به معنای کثرت و جمع در مقابل تفریق و کاهش است. در اصطلاح نام مکتب اصالت تکثر است که پیروان آن مدعی هستند: «حق‌های مختلف داریم». یعنی هیچ مکتبی برتر از مکتب دیگر نیست و هیچ مکتب دینی بر مکتب غیردینی برتری ندارد (تورانی، ۱۳۸۱: ۷). بر همین مبنا ما شاهد فراوانی انواع روابط اجتماعی با اهمیت، تعدد خرده‌فرهنگ‌ها، هویت‌های چندگانه و خودهای چندگانه فرهنگ مردم و حکومت جمهوری آذربایجان می‌باشیم. برخی از مبانی کثرت‌گرایی نیز از جنبه سیاسی در راستای به رسمیت شناختن تفاوت اجتماعی- فرهنگی و ایجاد سهولت برای متفاوت بودن اشاره می‌کند. آذربایجان سعی می‌کند به دوری از جامعه مسلمان خود، شرایطی باز برای حداکثر دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی و دینی ایجاد نماید. به نظر سران این کشور حضور حداکثری اقوام، گروه‌ها و مذاهب مختلف و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، امنیت نسبی را برای آنها به ارمغان می‌آورد.

۸) پایبندی صرف آذربایجان به منافع ملی

جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی سابق استقلال یافت و مردم آذری زبان آن به شدت احساسات شدید میهن‌پرستی دارند و اکثر روسای جمهور این کشور نیز بسیار ملی‌گرا و برپایه و اساس منافع ملی سرزمین خود گرفته‌اند. همین ملی‌گرایی و صرف پرداختن به منافع ملی باعث سردی روابط بین ایران و آذربایجان در سالیان گذشته شده است. البته چالش اصلی نگرش امنیتی دو کشور به یکدیگر است (نصیرزاده و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). باتوجه به شرایط خاص جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در محیط خاص امنیتی و همچنین حضور قدرت بزرگ منطقه‌ای از جمله روسیه و ایران که در گذشته به نوعی به آنها وابسته بوده است، لذا این کشور سعی می‌کند که به دوراز هرگونه جناح‌بندی سیاسی، نظامی، مذهبی، فرهنگی و ... در منطقه با استفاده از توان و ابزار کشورهای ابرقدرت تاثیرگذار و صرف در نظر گرفتن منافع ملی، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را اتخاذ نماید.

۹) حذف ایران از طرح‌های توسعه اقتصادی و انرژی

موضوع مسیره‌های انتقال نفت جمهوری آذربایجان و در کنار آن نفت قزاقستان و گاز ترکمنستان به بازارهای جهانی در حال حاضر غلبه ماهیت سیاسی بر ماهیت اقتصادی آن، از مهمترین مباحث منطقه‌ای است. در ابتدا برای انتقال نفت آذربایجان چندین خط مطرح شد از جمله طرح خط لوله باکو-ایران و باکو-پاکستان. بیان این دو خط از همان ابتدا با واکنش‌های زیادی روبرو گردید. به ویژه اینکه آمریکا با این طرح مخالفت نمود. در نهایت به دنبال مذاکراتی که بین کنسرسیوم بین‌المللی نفت جمهوری آذربایجان و دولت آذربایجان در مورد انتقال نفت برگزار شد که مسیره‌های پیشنهادی به شرح ذیل ارائه شد (آزار و ایلهام، ۱۳۸۶: ۷۷):

- باکو- نووروسیسک؛

- باکو- سوپسا؛

- باکو- جیحان.

باتوجه به گسترش روابط واشنگتن-باکو و همچنین تیرگی روابط ایران و آمریکا و همچنین تشدید فضای امنیتی موجود، آمریکایی در راستای اختلال در نظام اقتصادی ایران، نمی‌خواستند که خط لوله نفت از ایران عبور نماید و یا صنعت نفت کشور آذربایجان هیچگونه وابستگی به کشورهای روسیه و ایران داشته باشد (همان، ۸۱).

۳۰ (۱۰) نقش و نفوذ ترکیه در آذربایجان

اولویت ترکیه در قفقاز بیش از همه، جمهوری آذربایجان است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). ترکیه به دلیل اشتراک‌های قومی و فرهنگی با شعار اتحاد ترک‌ها، وارد جمهوری آذربایجان شد. ترکیه بعنوان تنها حامی منطقه‌ای این نوع نگرش در جهت اجرا و گسترش ایده اتحاد ترک‌ها از جمهوری آذربایجان حمایت کرده است و بدین ترتیب این کشور نقشی مخالف منافع ایران در قفقاز و جمهوری آذربایجان ایفا می‌کند. تلاش‌های ترکیه برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز با آنکارا در گردهمایی‌های سیاسی رهبران این کشورها که از سال ۱۹۹۲ به بعد برگزار می‌شود، جلوه‌گر شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۷). ترکیه در کنار ترویج اتحاد ترک‌ها به ترویج حکومت غیردینی در منطقه که در چارچوب اروپایی قرار دارد، می‌پردازد. باتوجه به جدایی دین از سیاست در این مدل، حکومتی که در تضاد با مدل حکومتی ایران است، مدل مطلوبی برای رهبران نگران از گرایش‌های دینی و اسلامی مردم در منطقه است. البته برنامه‌های ترکیه جهت گسترش نفوذ در منطقه با حمایت همه‌جانبه غرب نیز همراه است. به ویژه آمریکا اعتقاد دارد که سیاست ترکیه در منطقه در عمل می‌تواند از تمایل‌های اسلام‌گرایی و طرفدار ایران جلوگیری کند (چیچک، ۱۳۷۴: ۱۴۳).

(۱۱) سیاست‌های فرهنگی - مذهبی

برخی از اقدامات مهم ذیل که برگرفته از اندیشه سران کشور جمهوری آذربایجان بوده، باعث بروز برخی از اختلافات و کشمکش‌های سیاسی و فرهنگی بین ایران و آذربایجان و ایجاد نوعی واگرایی گردیده است (امیری، ۱۳۸۶: ۲۶۹):

۱) اعلام رسمی ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها و مقابله پلیسی-امنیتی با کسانی که پوشش اسلامی داشته باشند و جلوگیری از ورود افراد با حجاب به دانشگاه‌ها و اداره‌های دولتی و بکارگیری محدودیت علیه آنها؛

۲) آزادی کامل یهودیان متمایل به حکومت به علت مبارزه با نمادهای دینی، اسلامی و مذهبی؛

۳) آزادی یهودیان در انواع فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی؛

۴) انتشار کتاب موهن آیات شیطانی به صورت پاورقی در نشریه «یونیکال» چاپ باکو؛

۵) حمایت از نویسنده توهین کننده به پیامبر اعظم اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام، یعنی رافیق تقی که خود را سلمان رشدی آذربایجان می‌نامید؛

۶) تبلیغ دولتی علیه دین اسلام؛

۷) موضع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی احزاب و جریان‌های سیاسی و حکومتی علیه ایران.

۱۲) منابع گازی و نفتی مشترک

اهمیت ژئواکونومیک منطقه خزر بیش از هر چیز به ذخایر انرژی آن باز می‌گردد. آنچه موجب اهمیت دریای خزر شده است وجود منابع انرژی از جمله نفت و گاز است که در سال‌های پس از فروپاشی شوروی زمینه را برای رقابت‌های گسترده‌ای فراهم کرد که یادآوری بازی بزرگ است (کولایی، ۱۳۸۹: ۴۴۷). یکی از منابع چالش آفرین روابط بین ایران و آذربایجان، عدم تعیین رژیم حقوقی خزر و چالش‌ها بر سر کشف منابع نفتی و گازی در دریای خزر بویژه در حوزه البرز می‌باشد (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). آذربایجان بعد از استقلال سعی کرده با حمایت و پشتیبانی آمریکا از منابع نفت دریای خزر بهره‌برداری نماید. این سیاست آذربایجان و باز کردن پای سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای گاهی باعث رویارویی بین این کشور و ایران شده است.

۱۳) بازارچه مرزی و مناطق آزاد تجاری ارس

منطقه آزاد و تجاری ارس به دلیل همجواری با قفقاز می‌تواند خالق فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بی‌شماری برای ایران و منطقه باشد. در صورتی که واقعیت‌های منطقه تنها به مزیت‌های آن محدود نمی‌شود. در صورت برخورد نامناسب با مسائل جاری منطقه، ناامنی موجود در منطقه می‌تواند فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آن را نیز خنثی سازد. در صورتی که سیاست‌های حکومتی در ایران به سوی تمرکززدایی

پیش نرود، شاید در آینده نه چندان دور، خود این منطقه شاهد بروز ملی‌گرایی شود که باعث ایجاد ناامنی برای منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس است.

۱۴) روابط تجاری

در نظام کنونی بین‌الملل توسعه و بقای کشورها به میزان همکاری، مشارکت و همگرایی آنها بستگی دارد. سطح و کیفیت این همگرایی با ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای واقع در یک منطقه ارتباط مستقیم دارد. ایران و جمهوری آذربایجان در این زمینه از امتیازات زیادی برخوردارند، هر دو کشور به لحاظ اقتصادی و تجاری می‌توانند در توسعه پایدار یکدیگر سهیم باشند. یکی از شاخصه‌های مهم در روابط تجاری بین کشورها میزان مبادلات آنها با یکدیگر است. بررسی جامعه آماری بیانگر آن است که دو کشور بعد از سه دهه از استقلال جمهوری آذربایجان، کشورهای دیگری را بعنوان شرکای تجاری خود انتخاب کرده‌اند.

۱۵) موازنه‌سازی ایران

موازنه‌سازی و توازن‌بخشی در قالب ائتلاف و اتحادسازی از راهبردهای مهم سیاسی ایران در منطقه به حساب می‌آید و باتوجه به تنوع و گستردگی تهدیدات پیرامون ایران، لذا مسئولین کشور در قالب امنیت چندوجهی اقدام به ایجاد موازنه‌سازی با سایر قدرت‌های مداخله‌گر تاثیرگذار می‌کنند. این طرح هم در راستای تهدیدات کشورهای بیگانه حاضر منطقه و هم برای تهدیدات موجود از سوی کشورهای منطقه می‌باشد. ایران در چارچوب راهبرد خوداتکایی امنیت منطقه‌ای، همواره مخالف حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است که این برخلاف دیدگاه و رویکرد جمهوری آذربایجان بوده و هست (قوام، ۱۳۹۲: ۸۷).

۲-۲- متغیرهای امنیتی

۱) شکل‌گیری مربع آذربایجان، آمریکا، ترکیه و اسرائیل در برابر مثلث ایران، روسیه، ارمنستان کشورهای مختلف باتوجه به سطح قدرت ملی خود، همواره درصدد توسعه دامنه نفوذ و اثرگذاری خود در ماوراء مرزهای خود و بویژه در مناطق و کشورهای با اهمیت جهان هستند. کشور جمهوری آذربایجان واقع در منطقه قفقاز جنوبی، بدلالی مانند قرارگیری در همسایگی روسیه و ایران، داشتن ذخایر بزرگ نفت، قرارگیری در حاشیه خزر و ... مورد توجه فراوان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو، ترکیه، اسرائیل و عربستان سعودی قرار گرفته است. محور نگاه ایران نیز به آذربایجان، امنیت ملی است. این نگاه عمدتاً ریشه در تعریف منطقه قفقاز در دیدگاه ایرانیان دارد (فلاح،

۱۳۸۹: ۱۲۹). هریک از کشورهای آمریکا، اسرائیل و ترکیه براساس دکترین‌های امنیتی خود عمل می‌کنند و منفعت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی خود را دنبال می‌کنند.

مهمترین هدف مشترک آنها دسترسی به منابع نفتی و جلوگیری از گسترش و نفوذ روسیه و ایران در آذربایجان می‌باشد. هر کشور و بازیگری صرفاً در پی تحقق بخشیدن به منافع خود می‌باشند. کشورهای منطقه اکثراً به دلیل تداخل منافع و اهداف دچار چالش‌ها و تنش‌های زیادی شده‌اند. آمریکا با هدف کنترل نفوذ روسیه و مهار ایران، مبارزه با اندیشه‌ای اسلام سیاسی برگرفته از ج.ا. ایران، استفاده از ظرفیت‌های انرژی آذربایجان، کنترل بازار مصرف آذربایجان وارد این کشور شده است. مهم‌ترین اهداف اسرائیل نیز عبارتند از پیگیری دکترین حلقه دوم همسایگان، مبارزه با آموزه‌های اسلام سیاسی، همکاری اقتصادی برای رسیدن به هدف اخیر، ایجاد قرینه لبنان در آذربایجان، استفاده از خاک این کشور برای انجام فعالیت‌های امنیتی علیه ایران نظیر به پرواز درآوردن پهبادهای جاسوسی و نصب دستگاه‌های استراق سمع.

کشور ترکیه هم در پی دستیابی به بازارهای آذربایجان، تضعیف محور مسکو-ایروان-تهران، نفوذ فرهنگی و عمدتاً در تقابل با ایران، ارائه الگوی حکومتی لائیک، مشارکت در تولید نفت خزر و حضور نظامی در آذربایجان است.

۲) گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی در آذربایجان

اسرائیل به شدت از نفوذ اسلام سیاسی در قفقاز نگران است. باتوجه به اشتراکات زیاد فرهنگی و دینی جمهوری آذربایجان با ایران، رژیم صهیونیستی طی سالیان گذشته سعی کرده بیشترین نفوذ در آذربایجان را داشته باشد تا ضمن جلوگیری از گسترش اندیشه اسلام سیاسی، از امکانات جمهوری آذربایجان بر علیه ایران نیز استفاده کند (فلاح، ۱۳۸۹: ۵۲). اسرائیل در خاک آذربایجان اقدام به جاسوسی در نوار مرزی ایران می‌کند و در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه اطلاعاتی خود در جنوب این کشور و با نصب دستگاه‌های شنود آغاز نمود (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱). اسرائیل سعی کرده در تمامی حوزه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی فعالیت‌های خود را گسترش دهد بویژه در مناطق مجاور ایران. باتوجه به وجود برخی از دلایل سیاسی داخلی و خارجی، هر دو کشور جمهوری آذربایجان و اسرائیل برای برقراری گونه‌ای از توازن در مقابل ایران به یکدیگر نزدیک شده‌اند.

۳) همکاری‌های گسترده نظامی، امنیتی و سیاسی آمریکا با آذربایجان

کشورهایی که در معمای امنیت احساس ناامنی می‌کنند به موازنه‌سازی در برابر قدرت‌های برتر تهدید کننده مبادرت می‌ورزند. موازنه‌سازی اولین و مهمترین راهبرد کشورهای تدافعی عاقل در شرایط تهدید کننده و نا

امن آنارشیست است. به همین دلیل یکی از راه‌های مهم برای آذربایجان جهت کسب امنیت نسب همکاری و ارتباط با آمریکا می‌باشد. آمریکا نیز آشکارا علایق امنیتی خود به آسیای مرکزی نشان داده است و منافع آمریکا در این منطقه برای جلوگیری از احیای نفوذ تاریخی در روسیه، و نیز جلوگیری از تأمین منافع و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و اصولاً کنترل منابع انرژی در منطقه تعیین شده است. مهمترین هدف آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز حفظ وضع ناپایدار موجود، حضور و نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی درازمدت در منطقه و مقابله با نیروهایی است که در راستای منافع آمریکا قرار ندارند. سیاست‌های آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز در راستای سیاست‌های کلی این کشور در سطح جهانی قرار دارد و با قدرت‌هایی که در منطقه سیاست‌های همسو با منافع آمریکا ندارند، مقابله می‌کند. با توجه به همکاری‌های گسترده و همه‌جانبه آمریکا با آذربایجان، اهداف ذیل برای ایالات متحده از این همکاری‌ها متصور است:

- ۱) مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی؛
- ۲) محدودیت، مهار و انزوای ایران؛
- ۳) جلوگیری از استیلای مجدد روسیه در منطقه؛
- ۴) اهداف نظامی - امنیتی؛
- ۵) ارائه سناریوی تقسیم دریای خزر بین کشورها در جهت جلوگیری از ارتباط استراتژیک روسیه با ایران و منتفی ساختن امکان دستیابی روسیه به جنوب و کامل کردن محاصره ایران از سمت شمال؛
- ۶) تقویت حاکمیت و توان کشورهای قفقاز با هدف ایجاد توان عرض ایستادگی آنها در برابر روسیه؛
- ۷) متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی و کم کردن میزان تأثیرپذیری از نفت کشورهای خاورمیانه؛
- ۸) تلاش در جهت همگرایی اقتصادی کشورهای قفقاز با اقتصاد غرب؛
- ۹) دموکراسی‌سازی و ایجاد اقتصاد بازاری (عطایی، ۱۳۹۱: ۸۹).

۴) طرح آذربایجان بزرگ

پدیده قومیت‌گرایی خطری است که اگر هوشمندانه با آن برخورد نشود می‌تواند امنیت ملی، تمامیت ارضی و یکپارچگی ملتی را در معرض تهدید و تجزیه قرار دهد؛ بنابراین، ناسیونالیسم قومی در کارکرد تجزیه‌کننده‌اش عامل تهدیدی برای کشورها محسوب می‌گردد. بویژه زمانی که بعنوان اهرم فشار و حربه‌ای در دست بازیگران بین‌المللی، علیه واحدهای سیاسی با تنوعات زبانی، مذهبی و نژادی بکار رود، این مسئله جدیت بیشتری پیدا می‌کند. چندین عامل در سیاسی شدن علایق محلی و ظهور تمایلات قوم‌گرایانه نقش ایفا کرده است. این عوامل شامل عملکرد و سیاست‌های دولت شبه مدرن، جنبش‌ها و تحولات سیاسی، روشنفکران و تحریکات و مداخلات نیروهای بیگانه می‌باشد. تاریخ آذربایجان و پیشینه ناسیونالیسم آذری

گویای دو نکته مهم و اساسی درخصوص پدیده قومیت‌گرایی آذری می‌باشد: نکته نخست اینکه این مسئله به لحاظ تاریخی از سابقه چندانی برخوردار نیست و نکته دوم اینکه قومیت‌گرایی آذری منشاء داخلی نداشته و یک پدیده غیربومی است. تشدید تعارضات فکری در ناسیونالیسم آذری و طرح تمایزات نژادی میان آذری‌ها و غیرآذری‌ها ریشه در آذربایجان، باکو و استانبول دارد. طرح کشور آذربایجان بزرگ از کشور جمهوری آذربایجان (پان‌آدریسم) نشأت یافته و امروزه توسط این کشور و سایر طیف‌های ترک منطقه بدان دامن زده می‌شود. این مسئله در نهایت می‌تواند به مثابه حربه‌ای از جانب نظام سلطه جهانی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران بکار رود. شایان ذکر است که مدعیان «آرمان آذربایجان بزرگ» که پس از گرایش‌های کمونیستی دو آتش به طرفداری همه‌جانبه از غرب (به خصوص آمریکا و اسرائیل) روی آورده‌اند و از تبلیغات ضدایرانی خود سه هدف اساسی را دنبال می‌کنند:

- ۱) حمله و توهین همه‌جانبه به زبان فارسی بعنوان زبان هویتی و ملی عامل اتحاد همه اقوام ملت ایران؛
- ۲) انکار هویت تاریخی ایرانی مردم منطقه قفقاز و آذربایجان، تنها به دلیل اختلاف زبانی موجود؛
- ۳) القای وجود هویت نژادی غیرایرانی برای مردم غیور آذربایجان واقعی و مردم شمال ارس (فاوست، ۱۳۷۳: ۵۵).

۵) بحران قره‌باغ

قره‌باغ کوهستانی، که از حاصل خیزترین و نیز از استراتژی‌کترین نقاط قفقاز جنوبی می‌باشد، همواره موضوع کشمکش میان آذری‌ها و ارمنه بوده است (دانکوس، ۱۳۷۰: ۶۷). این بلندی‌ها دارای اهمیت فراوان نظامی است. با استقرار نیروهای نظامی در این بلندی‌ها، می‌توان راه‌های ارتباطی جمهوری آذربایجان در دشت‌های پیرامون از جمله راه ارتباطی شمالی - جنوبی آق‌دام به گنجه را در تیررس توپخانه با دید عالی، قرار داد. موردی که ارمنستان با در اختیار داشتن این بلندی‌ها از آن بهره‌مند شده است (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۳۲۳). همواره در میان مقامات دولتی و افکار عمومی جمهوری آذربایجان، موضع ایران در قبال اشغال قره‌باغ و همینطور روابط این کشور و ارمنستان مورد انتقاد تلویحی، نهانی و آشکار بوده است. در جمهوری آذربایجان نیز بخش عمده‌ای از مردم و رهبران احزاب و مقامات دولتی این کشور معتقدند که همکاری‌های ایران و ارمنستان سبب خروج این کشور از محاصره اقتصادی و تقویت موقعیت آن در روباوی با جمهوری آذربایجان شده است. آنها بارها ضمن تاکید بر شیعه بودن اکثریت مردم جمهوری آذربایجان، خواستار موضع تهران در رابطه با اشغال بیست درصد خاک این کشور توسط ارمنستان؛ مشابه مواضع و حمایت‌های ایران از فلسطینیان شده‌اند. بطور کلی بحران قره‌باغ یکی از بحران‌های بین‌المللی دوران پس از جنگ سرد است که به دلیل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دخیل در آن و به لحاظ نوع مسائلی که به وجود آمده و خواهد آورد، بحرانی

است که هر روز ابعاد بین‌المللی آن بیشتر می‌شود و حل آن را پیچیده‌تر می‌کند. بی‌ثباتی داخلی حکومت‌های آذربایجان و ارمنستان، شاید مهمترین نتیجه این بحران بوده است. بطوریکه این بی‌ثباتی، امنیت منطقه را نیز به خطر انداخته است. تاجائیکه از منظر اقتصادی نیز شاهد کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در این منطقه بوده‌ایم (ایزدی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۷۴).

۶) تلاش آذربایجان برای پیوستن به ناتو

در سالیان گذشته و پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، همکاری جمهوری آذربایجان با ناتو و مشارکت این کشور در برنامه‌های مختلف این سازمان منجر به تحولات ساختاری در نیروهای مسلح جمهوری آذربایجان شده است. موضع اصولی ناتو در حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت جمهوری آذربایجان بگونه‌ای که در تمامی اعلامیه‌های اجلاس‌های سالانه این سازمان منعکس شده است، که یکی از اصول اساسی تشکیل دهنده روابط میان باکو و ناتو است. جمهوری آذربایجان به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک بین اروپا و آسیا از اهمیت بالایی برای ناتو برخوردار است. گسترش ناتو به شرق و بویژه به مناطقی در آسیا-اوراسیا از جمله مقوله‌های مهم راهبردی پس از پایان دوران جنگ سرد به شمار می‌رود. در واقع، طرح گسترش ناتو به سمت شرق شامل کریدوری است که با عبور از مناطق محوری در منطقه قفقاز تا مرزهای چین کشیده خواهد شد و می‌تواند مزایای سیاسی و امنیتی فوق‌العاده‌ای برای کشورهای غربی و بویژه آمریکا در پی داشته باشد. بر این اساس، آمریکا می‌تواند به کمک این سازمان نظامی بزرگترین رقبای بالقوه خود در آسیا یعنی روسیه و چین را مهار کند و حتی کشورهایی نظیر ایران را که می‌توانند منافع این کشور را به چالش بکشند، محدود سازد. در این بین بررسی نوع رابطه و همکاری‌های ناتو با کشورهای منطقه قفقاز می‌تواند برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

۳۶

۷) ناسیونالیسم آذری و اندیشه پان ترکیسم

حضور چشمگیر اقلیت‌ها، ایران را در طول تاریخ آسیب‌پذیر ساخته؛ بنابراین آذربایجان به لحاظ ساختار جغرافیایی سیاسی و امنیتی، جمعیت‌شناختی و مکانیسم حکومتی، در امنیت ملی ایران موثرتر از دیگر جمهوری‌های قفقاز می‌باشد (نصری مشکینی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). رویارویی نگرش‌های قومیتی و نژادی در قفقاز و نگرش‌های پان ترک و پان توران از چالش‌های جدی منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است. باتوجه به روابط دو کشور ترکیه و آذربایجان و ساختار لائیک حکومتی آنها، طیف‌های با استفاده از زبان مشترک آنها و دادن آزادی مذهبی به اتباع کشورهای همسایه از یکسو و اجتناب از دخالت دادن دین در سیاست از سوی دیگر، نقش نژاد و زبان را در مقابل دین و مذهب تقویت می‌کند (عیسی‌نژاد و بشیریان، ۱۳۹۱: ۴). همچنین برخی از سیاستمداران آذربایجان در حال دامن زدن به این اختلافات، با استفاده از زبان آذری بعنوان وجه اشتراک

کشورهای منطقه می‌باشند. برخی معتقدند ایران از رویکردهای الحاق‌گرایانه قومی آذربایجان هراس دارد و سعی می‌کند با توجه به وجود اقلیت ترک در شهرهای شمال غرب خود در پی راه چاره برای این مساله باشد و در برابر نهضت‌های پان‌ترکیسم که بوسیله سرویس امنیتی آذربایجان هدایت می‌شود مقابله کند (جوادی ارجمند و دولتیاری، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

۸) دستگیری سران حزب اسلامی و متهم کردن آنها به جاسوسی

حزب اسلام آذربایجان از زمان تأسیس با مشکلات زیادی روبرو بوده است چراکه ماهیت اسلامی-سیاسی آن با ایدئولوژی و بنیادهای لیبرالی حاکم بر این کشور تعارض و تقابلی آشکار دارد. احیا و تعالی بخشی به فرهنگ اسلامی در جمهوری آذربایجان یکی از آرمان‌های اصلی حزب اسلام آذربایجان می‌باشد که گذشت زمان هرچند سبب آگاهی بیشتر مردم آذربایجان در مورد لزوم توسعه فرهنگ اسلامی در این کشور شده است ولی از سویی دیگر ترس و احساس نگرانی حاکمیت ضداسلامی آذربایجان را موجب گردیده است. حزب اسلام در عین تأکید بر وطن‌دوستی از همان ابتدا با مکتب پان‌ترکیسم در جمهوری آذربایجان به مخالفت و مقابله پرداخت که همین موضوع موجب تندخویی‌های برخی تندروهای متعصب به نژاد و زبان ترکی که در داخل سیستم حکومتی آذربایجان نیز نفوذشان کم نیست شده است. حزب اسلام که به سبب زندانی شدن رهبران آن و برخی تغییرات که در ساختار آن به وجود آمده است، نسب به چند سال پیش ضعیف‌تر شده است ولی با این حال همچنان از جایگاه مردمی بسیار بالایی برخوردار است. باید گفت احزاب آذربایجانی عمدتاً با مساعدت حزب حاکم یعنی آذربایجان نوین و یا تأمین مالی بیگانگان در عرصه سیاسی و اجتماعی جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند. درحالی‌که حزب اسلام با کمک‌ها و حمایت‌های مردمی در سراسر جمهوری آذربایجان فعالیت دارد حتی در مواقعی که دولت به احزاب سیاسی این کشور کمک مالی نموده است حزب اسلام را از این کمک‌ها محروم ساخته و نمونه آشکار این موضوع کمک مالی دولت به نشریات دولتی و غرب‌گرا در سالروز مطبوعات در این کشور بود که علی‌اف این کمک را شامل نشریات وابسته به حزب اسلام و مستقل نکرد. اما با این حال حزب اسلام هرگز از فعالیت سیاسی خود بازنايستاده و با وحدت و پشتیبانی مسلمانان این کشور به سمت اهداف عالی خود حرکت می‌کند (سایت رسمی حزب اسلام آذربایجان).

۹) رویکردهای امنیتی متفاوت دو کشور

امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. جمهوری آذربایجان قبل از استقلال، درگیر مشکلات ارضی با جمهوری ارمنستان بوده است. حل بحران قره باغ و امنیت استخراج و

انتقال انرژی از عواملی اصلی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان به شمار می‌روند. نوع نگرش سیاست خارجی جمهوری آذربایجان انتقادی و اعتراضی نیست و این جمهوری قصد ندارد تا در این خصوص هزینه‌های سنگین درگیری با نظام‌های موجود بین‌المللی را بپردازد (شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳). جمهوری آذربایجان امنیت خود را در خروج از نفوذ روسیه و پیوستن به غرب و ساختارهای یورو آتلانتیک (اروپایی-آمریکایی) بویژه ناتو جستجو می‌کند درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران در محور پیوستگی منطقه‌ای و دوری از محور آمریکا حرکت می‌کند (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۳۲). سیاست امنیتی ایران براساس موازنه‌سازی برون‌گرا تلاش کرده و می‌کند تا در چارچوب اتحاد و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای در برابر قدرت‌های مداخله‌گر تهدیدکننده توازن ایجاد نماید و از تهدیدات و خطرات احتمالی جلوگیری بعمل آورد.

۱۰) گسترش روزافزون اقتدار سیاسی و نظامی ایران در منطقه

نفوذ روزافزون ایران در منطقه غرب آسیا به اعتراف سخنان مقامات رسمی امریکایی و اروپایی حتی گزارش‌های مستند مراکز آینده‌پژوهی غربی، امروز بزرگترین دغدغه کشورهای غربی و برخی از کشورهای منطقه‌ای است؛ دغدغه‌ای که با صرف میلیاردها دلار در سال تلاش شد تا ضریب آن کاهش یابد اما هر آنچه در منطقه بعنوان رویداد نظامی-سیاسی شکل گرفت نهایتاً منجر به تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی شد؛ جایگاهی که بواسطه حاکمیت دینی به وجود آمده و اثبات می‌کند دیانت می‌تواند از سیاست جدا نباشد و امنیت و اقتدار را به همراه داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران بعنوان قدرتی منطقه‌ای بنابر ماهیت‌اش درحال بسط ژئوپولیتیکی و حوزه نفوذ خود در خاورمیانه است. همچنین باتوجه به دستاوردهای عظیم ایران که برپایه شعارهای انقلابی خود به دست آمده، باعث شده برخی از جریان‌ها، گروه‌ها و طیف‌های وسیع مردمی و سیاسی منطقه به آرمان‌ها و باورهای ایران روی آورده و تحت تاثیر آن قرار گیرند (رنجبر، ۱۳۷۸: ۶۵).

۱۱) دیپلماسی نظامی

آمریکا و بویژه اسرائیل مهمترین تامین‌کنندگان تجهیزات نظامی و امنیتی جمهوری آذربایجان به حساب می‌آیند. آذربایجان در نظر دارد با استفاده از دیپلماسی نظامی هم از لحاظ تامین و تضمین امنیت خود گام‌های مهمی را بردارد و هم جایگاه خود را در دستیابی به صنعت و تکنولوژی نظامی در منطقه ارتقاء دهد. باتوجه به احساس خطر نمودن آذربایجان از وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه، لذا سعی نموده از طریق گفتمان‌های امنیتی، خطرات موجود را کاهش و دفع نماید (شیخ‌الاسلامی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

۱۲) ماهیت قوم‌گرایی جوامع دو کشور

باتوجه ماهیت چندقومی جامعه ایران و آذربایجان و سکونت قوم‌های همچون آذری، تالشی و ... در هر دو کشور، همیشه احساس نگرانی از سرایت و گسترش احساسات قوم‌گرایانه و نژادپرستانه و گرایش‌های جدایی-طلبانه در آنها وجود دارد. همچنین باتوجه به ماهیت و اتخاذ سیاست‌های استقلال‌طلبانه ایران، این نگرانی وجود دارد که باتوجه به حضور کشورهای بیگانه و دشمن انقلاب ایران، آنها درصدد استفاده از این ظرفیت و توان مهم منطقه‌ای جهت بی‌ثبات‌سازی کشور و سپس نقض حاکمیت و وحدت ملی و تمامیت ارضی باشند. براین اساس ایران نیز سعی می‌کند اقدامات پیشگیرانه‌ای را در کشور آذربایجان جهت خنثی‌سازی این توطئه احتمالی انجام دهد. این اقدامات ایران در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی و ... می‌باشد که گاه با واکنش‌های منفی آذربایجان نیز مواجه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان مهمترین کشور منطقه قفقاز جنوبی است که علیرغم اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی با ایران، مناسبات و روابط چندان مطلوبی با ایران ندارد. این مطالعه، به بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین این دو کشور پرداخته است. مطالعه نشان داد که اشتراکات تاریخی و فرهنگی، همجواری و عوامل ژئوپلیتیک و برخورداری از دین و مذهب مشترک، عوامل همگرایی ایران و آذربایجان و مناقشه دریای خزر، بحران قره باغ، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان و روابط نزدیک ایران با ارمنستان، تقویت پان ترک‌یسم و ادعای آذربایجان بزرگ، عوامل واگرایی روابط بین دو کشور ایران و آذربایجان را تشکیل داده‌اند.

جمهوری آذربایجان در میان کشورهای قفقاز جنوبی، به لحاظ دارا بودن ویژگی‌هایی از قبیل: اقتصاد روبه رشد، و تجانس جمعیتی، قومی و فرهنگی با شمال غرب ایران، مهمترین همسایه شمالی ایران محسوب می‌شود. به همین سبب وجود وابستگی‌های ژئوپلیتیکی عمیق بین ایران و آذربایجان در زمینه اشتراکات و تجانس‌های جغرافیایی، جمعیتی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی، شرایط مطلوبی برای گسترش و تعمیق همکاری‌های دوجانبه وجود دارد. اما علیرغم این اشتراکات، روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دو دهه اخیر با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده و این بیانگر آن است که طرفین تاکنون موفق نشده‌اند سیاست خارجی و منافع راهبردی خود را بر محوریت وابستگی‌های ژئوپلیتیکی متقابل شکل دهند. ماهیت عوامل ژئوپلیتیکی و سیاسی تنش‌زا در روابط دو کشور باعث شده است که هرکدام، از آن عوامل به صورت ابزار فشار علیه طرف مقابل استفاده نماید. عمده اختلاف دو کشور به ماهیت نظام‌های سیاسی و نیز رقابت آنها در

چهارچوب دسته‌بندیهای منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌گردد. شکل‌گیری کشور آذربایجان براساس سکولاریسم و جدایی دین از سیاست با مدل جمهوری اسلامی ایران در تضاد کامل قرار دارد. از همین رو شاهد ارتباط نزدیک آذربایجان با کشورهای اروپایی، آمریکا و اسرائیل هستیم و ایران نیز متقابلاً با کشورهای روسیه و ارمنستان روابط نزدیک و دوستانه‌ای دارد. باکو همواره ادعا دارد که حمایت‌های ایران از هویت‌طلبان دینی و احزاب مخالف دولت جمهوری آذربایجان، روابط نزدیک ایران با ارمنستان، نگاه از بالا به پایین تهران در خصوص ماهیت مناسبات باکو با اسرائیل و غرب و ... بعنوان بزرگ‌ترین تهدید برای موجودیت دولت مستقل جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. از طرفی تهران نیز ادعا دارد که گسترش نفوذ روزافزون رژیم صهیونیستی و غرب در جمهوری آذربایجان، فعالیت‌های ناسیونالیسم ترکی باکو در شمال غرب ایران، اسلام-ستیزی و ... با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در تضاد می‌باشند. این ادعاها و اختلافات دو کشور در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، فعالیت‌های جمهوری آذربایجان در راستای ایران‌ستیزی، تحریف تاریخ و ... نوعی ذهنیت منفی بر روند و ماهیت مناسبات دو کشور داشته است؛ ذهنیتی که نمود واقعی آن را می‌توان در تنش‌ها و چالش‌های سیاسی اخیر بین تهران-باکو مشاهده کرد.

فهرست منابع

۴۰

- ۱- آزار، آسلانی و ایلهام، حسن اوف (۱۳۸۶)، سیاست خارجی آذربایجان در دوره حیدرعلی اوف، ترجمه: علی قلی‌زاده، تهران: انتشارات البرز. ۲- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان ترکیسم و آسیای مرکزی»، *مجله مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۲، ش ۵.
- ۳- افضلی، رسول و دیگران (۱۳۹۱)، «تحلیل ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای بر ساخت‌گرایی»، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ش ۸۰.
- ۴- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، «تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران*.
- ۵- ایزدی، جهانبخش و رحیمی، سامان (۱۳۸۹)، «تلاقی منافع جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *رهنامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی*، س ۱، ش ۲.
- ۶- برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، «شناسایی عناصر تاثیرگذار در رفتار سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان نسبت به یکدیگر»، *سایت خبرگزاری ایران*.
- ۷- پدارم، عبدالرحیم و زالی، سلمان (۱۳۹۴)، *فرآیندهای سناریونویسی در موضوعات راهبردی*، تهران: انتشارات موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.

- ۸- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲.
- ۹- تورانی، علی (۱۳۸۱)، **پلورالیسم دینی و چالش‌ها**، تهران: نشر مرشد.
- ۱۰- جوادی ارجمند، محمدجعفر و یزدان دولتیاری (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ارمنستان در چارچوب تئوری اندرسون و طرح یک همگرایی منطقه‌ای بعد از فرآیند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه»، **مجله ژئوپلیتیک**، س ۸، ش ۲.
- ۱۱- چیچک، عبدالقادر (۱۳۷۴)، «همکاری اقتصادی در منطقه یک دیدگاه سیاسی»، ترجمه: علیرضا سنجابی، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۸.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، «نقش آفرینی ژئواستراتژیک محور قفقاز/آسیای مرکزی»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۴۰.
- ۱۳- دوران، بهزاد (۱۳۸۳)، **هویت، رویکردها و نظریه‌ها - مجموعه هویت و بحران هویت**، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۵)، «گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، س ۱، ش ۲.
- ۱۵- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، **ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چ ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۶- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و دیگران (۱۳۹۸)، «تاثیر نظامی کردن حوزه دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۸۹.
- ۱۷- شیرازی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، «اصول و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان»، **مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۶۲.
- ۱۸- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۵، ش ۱۰.
- ۱۹- عیسی‌نژاد، سیدمحمد و فاطمه بشیریان (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان»، **چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا**.
- ۲۰- فاوست، لوئیس (۱۳۷۳)، **ایران و جنگ سرد بحران آذربایجان**، ترجمه: کاوه بیات، تهران: موسسه وزارت امور خارجه.
- ۲۱- فلاح، رحمت‌اله (۱۳۸۹)، **راهبردهای اسرائیل در اوراسیا با تاکید بر آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: اندیشه-سازان نور.
- ۲۲- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.

- ۲۳- کولایی، الهه (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۵، ش ۱۰.
- ۲۴- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۵- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۹)، «چالش‌ها و بایسته‌های تحرک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، س ۹، ش ۲۹.
- ۲۶- نصیرزاده، مهرا و میرعبدالله، حسینی (۱۳۹۱)، «ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های تجاری دوجانبه ایران با جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۵، ش ۱۱.
- ۲۷- ولی‌قلی‌زاده، علی و رضا وردی‌زاده (۱۳۸۹)، «نگرشی ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک بر منطقه آزاد تجاری/ صنعتی ارس، ژئوپلیتیک»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۶، ش ۲.

